

واکاوی روش‌شناسی از منظر صدرالمتألهین و تبیین دلالت‌های آن برای برنامه درسی

زهرا قلندری *

هاشم گلستانی **

رضاعلی نوروزی ***

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۰/۱۶

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۵/۰۴

چکیده

روش شناخت حقیقت، به‌عنوان یکی از شاخه‌های مهم فلسفه می‌تواند دیدگاه‌های متنوع و گوناگونی را در برابر طراحان برنامه درسی قرار دهد. این پژوهش که با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای کیفی لورنس باردن انجام شده، بر هدف بررسی روش شناخت حقیقت از دیدگاه ملاصدرا و تبیین دلالت‌های آن برای برنامه درسی مبتنی است. طبق نتایج به‌دست آمده، در حوزه طبیعت و ماهیت شناخت، ملاصدرا علم را به حضوری و حصولی تقسیم می‌کند. در حوزه قلمرو شناخت، باتوجه به انواع عوالم، از سه و به‌تعبیری، چهار نوع ادراک سخن می‌گوید. روش شناخت را نیز از دو جنبه سلبی و ایجابی، مورد مطالعه قرار داده است. منابع و ابزار شناخت را همراهی عقل با شهود حسی و شهود وحیانی قلمداد می‌کند. همچنین طراحی برنامه درسی براساس دیدگاه ملاصدرا مبتنی بر مهم‌ترین عناصر برنامه درسی است که عبارتند از: هدف (کسب معرفت حصولی به‌منظور تحقق معرفت حضوری)؛ اصول حاکم بر محتوای برنامه درسی (گزینش محتوا براساس سلسله‌مراتب دانش از امور محسوس به سمت امور عقلی - شهودی)؛ و اصول حاکم بر روش‌های آموزش و یادگیری (روش برهانی - شهودی و رویکرد متعالیه میان‌رشته‌ای).

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی؛ معرفت‌شناسی؛ برنامه درسی؛ فلسفه صدرالمتألهین

مقدمه و بیان مسئله

نگاهی درخور به بنیان‌های فلسفی روش شناخت، برخاسته از فرهنگ و تمدن خود می‌تواند اقدامی شایسته به منظور حل مشکلات کنونی آموزش و پرورش کشور و بنانهادن ساختاری نوین و بهینه باشد. بنابراین، در این پژوهش تلاش شده است که مسائل اصلی و مهم این حوزه از دیدگاه ملاصدرا بررسی شود. روش‌شناسی، سؤال‌های عمیقی درباره روش شناخت مطرح می‌کند، از جمله: ماهیت و طبیعت شناخت چیست؟ منظور از قلمرو شناخت چیست؟ روش‌های کسب شناخت کدامند؟ و منابع و ابزارهای کسب شناخت کدامند؟

براین اساس، اگر بخواهیم برنامه درسی مناسبی با دیدگاه ملاصدرا استنباط کنیم، ابتدا باید این نکته را مدنظر قرار دهیم که در زمینه برنامه درسی، فلسفه یکی از ارکان مهم آن محسوب می‌شود، زیرا نه تنها نقطه آغازین بلکه جهت و مسیر حرکت فعالیت‌های آموزشی را مشخص می‌نماید و از آنجاکه فعالیت‌های آموزشی از جمله فعالیت‌های هدف‌مند محسوب می‌شود، آگاهی سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان درسی و البته مربیان از دیدگاه‌های فلسفی می‌تواند راهگشای محتوا و روش‌های مناسب تربیتی باشد، از این رو، امور یادشده ضرورت بررسی روش‌ها، آگاهی از قلمرو و محدوده هریک و سرانجام تبیین دلالت‌های آنها را در برنامه درسی جلوه‌گر می‌سازد.

بنابر موضوع پژوهش حاضر که شامل واکاوی روش‌شناسی از منظر صدرالمتألهین و تبیین دلالت‌های آن برای برنامه درسی از دیدگاه ملاصدرا مدنظر است، به بررسی اینکه مباحث عمده روش‌شناسی در فلسفه ملاصدرا چیست؟، این روش‌شناسی‌ها چه تأثیری بر تبیین دلالت‌های تربیتی در برنامه درسی دارند؟ پرداخته شده است.

ماهیت و چگونگی هر برنامه درسی به دیدگاه‌های مختلف برنامه درسی بستگی دارد که به نوعی الهام‌بخش عناصر مختلف آن است که در چارچوب نظری و زیربنای فلسفی، فرهنگی، اجتماعی و... به آن پرداخته شده و دیدگاه‌های متفاوتی را از برنامه درسی از جانب نظریه‌پردازان شکل داده است.

آموزش و پرورش کنونی جامعه ما به علت آنکه از زمان تأسیس آن به شیوه امروزی، چون وامدار نظام‌های آموزشی دیگر کشورها بوده است، بدین دلیل محصول آن یعنی دانش‌آموزان؛ محصولی بیگانه با بن‌مایه‌های فلسفی - دینی خود بوده که در زمینه حل مشکلات خود و جامعه‌اش

ناکارآمد خواهند بود. تاریخ تفکر، فرهنگ و ارزش‌های دینی و ملی ما، مبتنی بر تعالی‌جویی و حکمت و فضیلت است، عمیقاً از تاریخ اندیشه، فرهنگ، هویت و نظام ارزشی مغرب زمین، متفاوت است که دنیامداری و عمل‌گرایی، فلسفه اصلی زندگی آنان را تشکیل می‌دهد (نصرتی هشی؛ نوروزی؛ متقی؛ عباس‌پور و امینی، ۱۳۹۴: ۹۰ - ۸۵). براین اساس و در اولین گام تدوین و تبیین نظام آموزش و پرورش براساس فلسفه اسلامی و بر مبنای نحله‌های مختلف آن بیش‌ازپیش اهمیت می‌یابد. از این روست که بحث‌های نظری تعلیم و تربیت صدرایی و مسائل مربوط به آن نیز بدون گسترش فلسفه تربیتی آن و بدون طرح و پیشنهاد کردن، امکان ظهور و بروز پیدا نمی‌کند.

لذا با توجه به اخذ کارمایه‌های نظام‌های تعلیم و تربیت از قلمرو مباحث روش‌شناسی، مطالعه و پژوهش در خصوص آنها و استخراج و استنباط دلالت‌های تربیتی آنها از ضرورت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه در مباحث فلسفی از جمله بحث روش‌شناسی به بررسی چگونگی شناخت و راه‌های کسب معرفت پرداخته می‌شود که قرابت بسیار نزدیکی با مباحث تربیتی دارد که دنبال کسب معرفت و... است. پس این تحقیق که تحت عنوان "واکاوی روش‌شناسی از منظر صدرالمآلهین و تبیین دلالت‌های آن برای برنامه درسی" است، به بررسی نظریات او در این باره پرداخته و در پی آن است که اندیشه او را به عنوان یکی از برجسته‌ترین فیلسوفان مسلمان واکاوی نماید.

پیشینه پژوهش

در پژوهش حاضر مروری بر تحقیقاتی ممکن شد که به بحث، پیرامون موضوع این پژوهش پرداخته‌اند از جمله: سروش (۱۳۷۲: ۱۱۲ - ۱۱۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «حکمت در فرهنگ اسلامی» چنین بیان می‌کند که حکمت متعالیه یک مکتب مستقل فلسفی به معنای خاص آن (شناخت احکام کلی هستی با روش عقلی استدلالی) است که کوشیده از همه مزایای مکاتب فلسفی، عرفانی و کلامی پیش از خود، بهره برد، نقص‌های آنها را جبران کند و در ساختاری واحد، منسجم و استوار، سامان بخشد.

شیروانی (۱۳۸۷: ۲۸ - ۲۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأملی در ویژگی‌های روش‌شناختی مکتب فلسفی صدرالمآلهین» چنین نتیجه‌گیری نموده است که حاصل آنکه، حکمت متعالیه از این جهت

که در مقام رد و قبول نظریات و داوری در باب آرای مورد بحث، عقل استدلال گر را حاکم بلامنازع می‌داند، تک‌روشی و دارای ویژگی استدلالی و عقلی است؛ اما این حکمت، دست کم، از دو جهت با شهود و وحی (و به تعبیر دقیق‌تر: نقل) ربط و نسبت دارد و به استفاده تام از آن دو منبع معترف است: نخست آنکه در مقام دستیابی به نظریات و گردآوری دست‌مایه‌های تفکر و تحقیق، به دستاوردهای آن دو حوزه کاملاً اعتنا دارد و از آنها سود می‌برد. دوم آنکه عقل مددگرفته از وحی و شهود و تربیت یافته به ریاضیات و تعالیم شرعی و عرفانی (عقل منور)؛ در همان مرحله داوری و رد و قبول نیز دارای قوتی افزون‌تر می‌شود و گاه، کل «برهان» خویش را به برکت شهود یا نقل به دست می‌آورد (برهان کشفی) و البته این امر - هرچند از دسترس عقل غیرمنور خارج است - حاصل کار عقل را از استدلالی و برهانی بودن، خارج نمی‌سازد.

مظاهری، نوروزی و بختیار نصرآبادی (۱۳۸۶: ۸۸ - ۶۱)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «درآمدی بر معرفت‌شناسی صدرالمتهلین و دلالت‌های تربیتی آن، بیان نموده‌اند که با توجه به نگاه الهی - عقلی صدرا به جهان و با توجه به اعتقاد صریح وی بر لزوم تطابق استدلالات عقلی با احکام شرعی، وی حقیقت را ادراک کلی و عقلی حقایق امور و مشاهده آنها می‌داند؛ زیرا آنها هستند که در بالاترین درجه وجود قرار دارند. لذا نفس انسانی موجود در عالم ماده قادر به درک آنها نیست؛ چراکه وجودی ضعیف و ناقص دارد. پس باید با انتقال از عالم مادی به عالم خیال و پس از آن عالم عقلی به مرتبه آنها نایل گشت. البته این سطح از درک حقیقت برای تعداد اندکی از افراد به وجود می‌آید و لازمه آن تهذیب و تزکیه نفس است؛ لذا می‌توان گفت که ملاک و معیار معرفت صحیح در نظر ملاصدرا تطابق امور با امر خدای متعال است که یا از طریق برهان حاصل شود و یا از طریق کشف و شهود.

بابازاده و نوروزی (۱۳۹۲: ۴۳ - ۳۸)، در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیلی بر اهداف و روش‌های تربیتی مبتنی بر کمال نفس از دیدگاه ملاصدرا»، دریافتند که رشد و پرورش حواس و تجربه و عقلانیت، هرگز برای وصول به کمال کافی نیست و انسان کامل افزون‌بر این موارد در سایه تزکیه و تهذیب نفس و روش‌های خاص شهود و فیض خداوندی به این مقام نائل می‌آید. متأسفانه مورد آخر در نظام تعلیم و تربیت کشور ما کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد، درحالی‌که اگر متربی در هر زمینه‌ای با آگاهی و شناخت خود به دنبال حقیقت برود و به کشف و تحقیق بپردازد، تربیت او به‌طور مؤثرتر و پایدارتری صورت خواهد گرفت.

فرامرز قراملکی (۱۳۸۵: ۲۲۷) در کتابی تحت عنوان «روش‌شناسی مطالعات دینی» چنین بیان می‌کند که تبلور مطالعه میان‌رشته‌ای در حکمت متعالیه از جمله مباحث مهم این مکتب به‌شمار می‌رود. در مطالعات میان‌رشته‌ای گاهی، کثرت‌گرایی روش‌شناختی (به‌معنای خاص آن) مطلوب است و در روشن‌ساختن جنبه‌های مختلف پدیدار مورد‌نظر یاری می‌رساند؛ مانند تجربه دینی که برای دستیابی به دیدگاهی جامع درباره آن باید آن را از دید دانش‌های گوناگون (مانند روان‌شناسی، پدیدارشناسی، فلسفه دین، الهیات دینی و...) بررسی نمود و از رهاورد همه علوم مربوط که هر کدام بعدی از ابعاد آن را مکشوف می‌کند، با تحفظ بر روش خاص آن علوم بهره‌مند شد.

اما گونه‌ای دیگر از مطالعه میان‌رشته‌ای درعین تحفظ بر وحدت روش‌شناختی، از رهاوردهای دانش‌های مختلف برای عمق‌بخشی و گسترش دیدگاه‌های خود، به گونه‌هایی مختلف بهره می‌برد. نوع دوم مطالعه میان‌رشته‌ای، برخلاف قسم نخست، تنها متعلق به یک رشته است و از یک روش پیروی می‌کند، مانند حکمت متعالیه. به‌بیانی دیگر، اگر روی آورد را راهی برای نزدیک‌شدن به مسئله و رهیافتی برای شکار نظریه و به‌دام‌انداختن فرضیه تعریف کنیم، روش دوم را ابزاری برای نقد و ارزیابی فرضیه یادشده می‌دانیم.

سجادی و نورآبادی (۱۳۸۹: ۴۱ - ۱۹)، طی مطالعه‌ای تحت عنوان «تبیین و تحلیل ماهیت و کارکرد میان‌رشته‌ای» چنین دریافتند که مطالعات میان‌رشته‌ای خواهان تلفیق، ترکیب و تعامل میان دانش و مهارت‌ها در رشته‌های مختلف مرتبط است که به‌منظور افزایش درک و فهم ابعاد مختلف موضوعات مورد‌مطالعه، رشد توانایی تحلیل صحیح امور، توسعه تفکر انتقادی و قدرت خلاقیت و...؛ استفاده از آن متداول شده است. از طرفی، فلسفه تعلیم و تربیت به‌منزله یکی از حوزه‌های معرفت بشری نیز با این مفاهیم سروکار دارد. موفقیت در اجرای رویکرد میان‌رشته‌ای زمانی است که نتایج و یافته‌های معتبر و واقعی برای مسئله یا موضوع مورد‌بررسی ارائه دهد. به‌عبارتی، رویکرد میان‌رشته‌ای را زمانی می‌توان موفق و کارآمد دانست که در فرایند کار بتواند از انباشته‌ها، تجارب و ظرفیت‌های معرفتی، مهارتی و روشی رشته‌های مرتبط در جای مناسب و مقتضی، استفاده بهینه و مؤثر کند.

ایمانی، باقری، صادق‌زاده و محمدی روزبهانی (۱۳۹۰: ۶۸ - ۴۳)، طی مطالعه‌ای تحت عنوان «تبیین رویکرد میان‌رشته‌ای از دیدگاه معرفت‌شناسی حکمت متعالیه» چنین بیان می‌کنند که

ملاصدرا به آنچه امروزه مطالعات میان‌رشته‌ای نامیده می‌شود، دست یافته بود... ملاصدرا چهار قرن پیش به اهمیت مطالعه میان‌رشته‌ای در تحلیل مسائل الهیات آگاه بود و با خلاقیت و ابتکار توانست الگوهای اثربخشی را در هدایت مطالعه میان‌رشته‌ای پیدا کند.

باتوجه به تحقیقات صورت گرفته که مؤید تلاش محققین در نمایاندن زوایای فلسفه صدرالمتألهین است، این خلأ آشکار می‌شود که تلاش‌های صورت گرفته هیچ کدام به صورت جامع و کامل به بررسی مبحث روش‌شناسی از منظر صدرالمتألهین و تبیین دلالت‌های آن برای برنامه درسی نپرداخته‌اند. لذا محقق درصدد برآمده است در این پژوهش به این پرسش که مفروضات فلسفی روش‌شناسی در معرفت‌شناسی (باتأکید بر طبیعت و ماهیت شناخت، قلمرو شناخت، روش شناخت و منابع و ابزار شناخت) از دیدگاه ملاصدرا کدامند و مفروضات فلسفی بررسی روش شناخت حقیقت از دیدگاه صدرالمتألهین و تبیین دلالت‌های آن برای برنامه درسی کدامند؟ پاسخ داده شود تا به تعیین اهداف، مقاصد، محتوا و سازماندهی برنامه درسی باتوجه به بنیان‌های فلسفی روش شناخت به صورت هر چه کارآمدتر و اثربخش‌تر پرداخته شود.

روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش، تحلیل کیفی لورنس باردن است که با برداشتن گام‌هایی به این شرح انجام خواهد شد:

گام اول؛ تحلیل ابتدایی است. این مرحله فقط به سازماندهی اختصاص دارد. در واقع، مرحله مکاشفات است، ولی هدف آن این است که اندیشه‌های اولیه منظم شوند و به مرحله عمل درآیند، به نحوی که از یک طرح ابتدایی مشخص درباره چگونگی انجام عملیات پی‌درپی به طرح نهایی تحلیل بینجامد. گام دوم، به دست آوردن مواد اولیه تحقیق است که در این مرحله، پژوهشگر مفاهیم و اطلاعات استخراج شده را در دسته‌های هم‌مفهومی، سازماندهی و مرتب نموده و با عنایت به مطالب به دست آمده از مرحله قبل به توضیح جامع‌تر که شامل مطالب و جزئیات پدیده مورد نظر باشد، پرداخته و یک توصیف واقعی از مرحله قبل ارائه نموده است و گام سوم، بررسی نتایج به دست آمده و تفسیر آن است که نتایج خام به نحوی استخراج شدند که معنی‌دار (گویا) و معتبر باشند. در این بخش، نتایج به صورت جدول نتایج، نمودار، تصویر و نمونه‌هایی که بتوان اطلاعات

به‌دست آمده از تحلیل را به‌صورت فشرده و مشخص نمایش داد، ارائه شد (باردن، ۱۳۷۵: ۱۱۵ - ۱۰۷).

بحث و بررسی

بررسی سؤال اول: مفروضات فلسفی واکاوی روش‌شناسی (باتأکید بر طبیعت و ماهیت شناخت، قلمرو شناخت، روش شناخت و منابع و ابزار شناخت) از دیدگاه صدرائی کدامند؟

شناخت از دیدگاه صدرالمتهلین

ملاصدرا علم را به حضوری و حصولی تقسیم می‌کند. علم حضوری را علمی می‌داند که علم به شیء، عین خود شیء است و علم حصولی علمی است که علم به شیء، غیر از خود شیء است و برای علم حضوری به علم نفس به خود و به صفات و افعال خود، مثال می‌زند (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۲۴ به نقل از مرتضایی، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

از نظر وی علم حضوری، علمی است که در واقع نزد عالم حاضر است و هیچ‌گونه شک و تردیدی در آن راه ندارد، زیرا بین عالم و معلوم واسطه‌ای در کار نیست تا احتمال مطابقت و عدم مطابقت روا باشد و ملاصدرا برای این علم، مصادیقی را پذیرفته است که همان علم نفس به خود و صفات و افعال خود است. پس علمی یقینی و تردیدناپذیر و حقی عین واقع، مورد قبول ملاصدراست. از طرف دیگر ملاصدرا علم حصولی را به نظری و بدیهی و بدیهی را به اولی و ثانوی تقسیم کرده است و بدیهی اولی را قضیه‌ای می‌داند که صرف تصور موضوع و محمول نسبت‌سنجی آنها، موجب تصدیق و یقین بدان شود و تعیین بدان دائمی و زوال‌ناپذیر باشد و برای این یقین استحاله اجتماع نقیضین را مثال می‌زند (طباطبائی، بی‌تا: ۵۶ به نقل از مرتضایی، ۱۳۹۲: ۱۱۳). بدین ترتیب ملاصدرا نه تنها علم و یقین را ممکن می‌شمارد، بلکه علم حضوری و بدیهیات اولیه را مصداق کامل آن می‌داند.

جدول ۱: مفروضات فلسفی واکاوی روش‌شناسی (باتأکید بر طبیعت و ماهیت شناخت) از دیدگاه ملاصدرا

واکاوی روش‌شناسی از منظر صدرالمتألهین و تبیین دلالت‌های آن برای برنامه‌درسی	شاخص معادل (مفهوم سازی)	منبع کدواژه‌های مرتبط (واژه‌های کلیدی)	کدواژه‌های مرتبط (واژه‌های کلیدی)		
	ماهیت یا طبیعت شناخت		ملاصدرا، المبدأ و المعاد، ۱۳۵۴: ۲۴؛ طباطبایی، نهایه الحکمه، ۵۶: ناجی اصفهانی، ۱۳۸۸، گذری بر معرفت‌شناسی حکمت متعالیه، فلسفه و کلام: ۱۳۶	علم حضوری	
			علم به شیء عین خود است.	علم حصولی	
			علم به شیء غیر از خود شیء است.	علم به شیء غیر از خود	
			معارف نظری	معارف بدیهی	
			معارف بدیهی اولی	معارف بدیهی ثانوی	
			طبقه‌بندی کدواژه‌ها و مفهوم‌سازی		

بر اساس اطلاعات حاصله از یافته‌های پژوهش حاضر که در جدول ۱ ارائه شده است، ملاصدرا علم را به حضوری و حصولی تقسیم می‌کند؛ علم حضوری و علم حصولی. علم حضوری یعنی علمی که عین واقعیت معلوم پیش عالم (نفس یا ادراک‌کننده دیگری) حاضر است و عالم، شخصیت معلوم را می‌یابد، مانند علم نفس به ذات خود و حالات وجدانی و ذهنی خود. علم حصولی یعنی علمی که واقعیت معلوم پیش عالم حاضر نیست، فقط مفهوم و تصویری از معلوم پیش عالم حاضر است، مثل علم نفس به موجودات خارجی از قبیل زمین، آسمان، درخت، انسان‌های دیگر و اعضای بدن خود شخص ادراک‌کننده.

قلمرو شناخت از دیدگاه صدرالمتألهین

صدرالمتألهین معتقد است، علم انسان نظیر جمیع صفات و سایر عواطف از قبیل اراده، محبت و...، یک واقعیت خارجی است که جایگاه آن نفس آدمی است. ماهیت معلوم به تبع هستی علم از جهت ارائه و حکایت وجود علم نسبت به وجود خارجی به وجود ظلی و ذهنی موجود می‌گردد و ماهیتی که به وجود ذهنی موجود می‌شود، چون به تبع هر اثری که برای علم و در ظل هستی آن یافت می‌شود، هر اثری که برای علم باشد، به تبع به آن هم اسناد داده می‌شود، لذا حکم معلوم بودن

را نیز به طفیل و تبع آن دریافت می‌دارد؛ زیرا معلوم‌بودن بالذات همان وجود علم است و ماهیتی که در پناه آن وجود ظاهر می‌شود (وجود ذهنی). معلوم، بالعرض است، لذا بین علم (امری نفسی) و وجود ذهنی (امری قیاسی) تفاوت هست. علم که موجودی مجرد است، از طریق حس به دست نمی‌آید، بلکه حس علت معدّ برای وصول به آن است. انسان در ادراک امور مادی همواره در عالم مثال و خیال سیر می‌کند و شرایط مادی جز زمینه انتقال و تحول انسان نسبت به آن عالم را ایجاد نمی‌کند. انسان ابتدا صورتی را در عالم مثال با یک واسطه (همان وجود علم) می‌یابد و آنگاه آنچه را یافته است با وجود مادی و طبیعی قیاس می‌کند و وجود ذهنی در این قیاس و حکایت شکل می‌گیرد. نفس با حرکت جوهری خود در مراحل گوناگون با اتحاد وجودی با صور ادراکی در جمیع اقسام ادراک فعلیت جدیدی می‌یابد و آماده پذیرش صورت‌های بعدی می‌شود. نفس در مراحل رشد خود نسبت به برخی صور (حسی و خیالی) ایجادکننده است، لذا این صور قیام صدور به نفس دارند و نسبت به بعضی دیگر (صور عقلی) از اضافه اشراقیه‌ای برخوردار می‌شود که از ناحیه مبادی نوری و مجرد عقلی افاضه می‌شود، لذا ادراک کلی ماهیات اصلی از طریق افاضه اشراقی و اتحادی است و نفس از این طریق با افراد مجرد آن ماهیات اتحاد پیدا می‌کند (مرتضایی، ۱۳۹۲: ۱۱۴-۱۱۳). متعلق معرفت، از موضوعاتی است که بررسی آن ما را در تبیین بهتر محدوده شناخت انسان یاری می‌دهد. اینکه متعلق شناخت انسان چیست و به عبارت دیگر، در ارکان سه‌جزئی هر شناخت، یعنی علم، عالم و معلوم ما چیست و علم ما به چه چیز تعلق می‌گیرد، می‌تواند ما را در آشکار ساختن محدوده شناخت انسان اندازه بسیاری کمک رساند. فیلسوفان حکمت متعالیه با توجه به انواع عوالم، از سه و به تعبیری، چهار نوع ادراک سخن می‌گویند. توضیح اینکه در حکمت متعالیه به‌طور کلی و با توجه به درجات وجود، از سه عالم نام برده می‌شود: نخست، عالم ماده؛ دوم، عالم مثال که فاقد ماده است، اما عوارض و آثار ماده را از قبیل شکل و مقدار و وضع، داراست؛ سوم، عالم عقل که از ماده و آثار آن مجرد است. عالم عقل، برتر از عالم مثال و عالم مثال، برتر از عالم ماده است. فیلسوفان مکتب متعالیه در بحث انواع ادراکات انسانی، یعنی ادراک حسی، خیالی، وهمی و ادراک عقلی معتقدند که معلوم و به عبارت دیگر، متعلق بی‌واسطه و بالذات ما، خود علم است. بنابراین، از نظرایشان، ادراک شیء بستگی به نحوه وجود شیء دارد. اگر ماهیتی با وجود مثالی حسی موجود باشد، ادراک ما از آن شیء به نحو حسی خواهد بود؛ اگر با وجود مثالی خیالی موجود باشد، ادراک ما خیالی و اگر با وجود عقلی موجود شود، ادراک ما

عقلی خواهد بود. باین سخن، متعلق معرفت را می توان حقایق هر سه عالم دانست؛ چنانکه اگر واقعیت علم، به ترتیب از حقایق عالم مادی، مثالی و عقلی باشد، ادراک حسی، خیالی و عقلی خواهد بود. پس می توان گفت متعلق معرفت می تواند از حقایق هر سه عالم باشد. به عبارت دیگر، گزاره ای که متعلق معرفت قرار می گیرد، می تواند گزاره ای حسی، خیالی یا عقلی باشد. به عقیده فیلسوفان حکمت متعالیه، «حقیقت، مطابقت با واقع است»، گزاره ای حقیقی است و انسان می تواند به آن یقین داشته باشد که مطابق با واقعیت باشد. به طور کلی در نظام معرفت شناسی صدرائیان، متعلق معرفت در امور مادی و این جهانی، به ویژه در علم حضوری، وجود است. ملاصدرا معتقد است شهود عرفانی و اشراق خداوند، تنها راه رسیدن به حقیقت مطلق و اموری است که از دسترس منابع معرفت به دورند (کاکائی و رهبر ۱۳۹۱: ۹۵-۸۸؛ مرتضایی، ۱۳۹۲: ۱۱۴-۱۱۳).

جدول ۲: مفروضات فلسفی واکاوی روش شناسی (باتأکید بر قلمرو شناخت) از دیدگاه صدرائی

واکاوی روش شناسی از منظر صدرالمتألهین و تبیین دلالت های آن برای برنامه درسی	شاخص معادل (مفهوم سازی)	منبع کدواژه های مرتبط (واژه های کلیدی)	کدواژه های مرتبط (واژه های کلیدی)
	قلمرو شناخت		کاکائی و رهبر، ۱۳۹۱: ۹۵ - ۸۸؛ مرتضایی، اسداله، ۱۳۹۲، بررسی مفهوم علم در معرفت شناسی ملاصدرا: ۱۱۴ - ۱۱۳؛ کاکائی و رهبر، محدوده و قلمرو معرفت در نظام معرفت شناسی حکمت متعالیه و فیلسوفان دکارتی: ۱۰۰ - ۷۷
طبقه بندی کدواژه ها و مفهوم سازی			

براساس اطلاعات حاصله از یافته های پژوهش حاضر که در جدول ۲ ارائه شده است، صدرالمتألهین در حوزه قلمرو شناخت باتوجه به انواع عوالم، از سه و به تعبیری، چهار نوع ادراک سخن می گوید. توضیح اینکه در حکمت متعالیه به طور کلی و باتوجه به درجات وجود، از سه عالم نام برده می شود:

نخست: عالم ماده، دوم؛ عالم مثال که فاقد ماده است، اما عوارض و آثار ماده را از قبیل شکل و مقدار و وضع، داراست؛ سوم، عالم عقل که از ماده و آثار آن مجرد است. عالم عقل، برتر از عالم مثال و عالم مثال، برتر از عالم ماده است.

در بحث انواع ادراکات انسانی، یعنی ادراک حسی، خیالی، وهمی و ادراک عقلی معتقدند که معلوم و به عبارت دیگر، متعلق بی‌واسطه و بالذات ما، خود علم است. بنابراین، از نظر ایشان، ادراک شیء بستگی به نحوه وجود شیء دارد؛ اگر ماهیتی با وجود مثالی حسی موجود باشد، ادراک ما از آن شیء به نحو حسی خواهد بود؛ اگر با وجود مثالی خیالی موجود باشد، ادراک ما خیالی و اگر با وجود عقلی موجود شود، ادراک ما عقلی خواهد بود. باین سخن، متعلق معرفت را می‌توان حقایق هر سه عالم دانست، چنانکه اگر واقعیت علم، به ترتیب از حقایق عالم مادی، مثالی و عقلی باشد، ادراک حسی، خیالی و عقلی خواهد بود. پس می‌توان گفت متعلق معرفت می‌تواند از حقایق هر سه عالم باشد.

روش شناخت حقیقت از دیدگاه صدرالمتهین

برای شناخت دقیق روشی که صدرالمتهین با استفاده از معرفت‌شناسی مقبول خویش بنیان نهاد، باید دو جنبه سلبی و ایجابی ارائه شده در کلام وی را از یکدیگر تفکیک کرد. در جنبه سلبی، او بیشتر در پی تبیین ضعف‌های راه‌های موجود در شناخت حقایق عالم و یا نارسایی‌های آنها در تبیین و تفسیر و تعبیر درست از آن است و در جنبه ایجابی تلاش می‌کند ویژگی‌های راه خود و امتیازات و برتری آن را بر راه‌های قبلی مبرهن سازد. هریک از مکاتب پیش از ملاصدرا روشی برای پژوهش برگزیدند. مشائیان، عقل را محور قرار دادند و اشراقیان از شهود بهره گرفتند و متکلمان باتکیه بر ظاهر شرع، به جدال و مناظره روی آوردند. صدرالمتهین همه مکاتب را به همدیگر مرتب و در فرایند تحقیق، عقل، ذوق و شرع را هم‌نوا کرد. بنابراین، عناصر حکمت متعالیه عبارتند از: عقل، کشف و شرع (کتاب و سنت). صدرا این سه را هم‌مرتب نمی‌داند و در برابر هریک، موضع‌گیری ویژه‌ای دارد. ۱. عقل؛ به نظر وی، امور کشفی و ذوقی از قلمرو فعالیت عقلی و استدلال خارج است و عقل به مرزهای کشف دست نمی‌یابد (ملاصدرا، ۲۰۰۰م: ۱۳۸)، پس عقل نیازمند یار و همراهی است تا با آن به کشف حقایق نایل آید. موضع اثباتی صدرا درباره عقل آنجاست که کشف را که از مرز عقل فراتر دانسته، با تأیید عقل و با آن معیار قابل پذیرش می‌داند؛ یعنی آنچه عقل نپذیرد، قابل اعتماد و قبول نیست. صدرا در این باره به قول برخی طرفداران ذوق و

کشف استناد می‌کند (ملاصدرا، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۳۲۲). عقل میزان و معیار حکمت (ملاصدرا، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۲۳۴) و راه تحصیل علوم یقینی و رسیدن به لقای معبود و وصال مقصود است (ملاصدرا، ۱۳۸۱: ۱۰۲؛ ملاصدرا، ۱۴۲۰ق: ۱۰۳). ۲. کشف و شهود؛ صدرالمتألهین در برابر کشف نیز دو نوع موضع‌گیری سلبی و ایجابی دارد. افزون‌بر آنچه گذشت، صدرا بر اهل مشاهده و شهود خرده می‌گیرد که این عده از بیان یافته‌های خویش به زبان استدلال ناتوانند و این بدان دلیل است که در اثر استغراق در ریاضت و مجاهدت، از برهان و استدلال دور افتاده‌اند (ملاصدرا، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۱۲؛ ملاصدرا، ۱۴۱۹ق، ج ۶: ۲۸۴)، اما موضع ایجابی صدرا در برابر شهود و کشف آنجاست که کشف و شهود را راه نیل به علوم حقیقی یعنی حکمت مرتبط با علم لدنی می‌داند (ملاصدرا، ۱۹۹۹م: ۴۱)؛ همان حکمتی که به هیچ روی قابل تردید نیست (ملاصدرا، ۱۹۹۹م، ج ۳: ۳۷۶). ۳. شرع (وحی). به اعتقاد صدرا، حکمت آن است که متکی به وحی و قول معصوم باشد و آنچه این ویژگی را ندارد، قابل اعتماد نیست (ملاصدرا، ۱۳۷۸: ۱۴۲)؛ یعنی آنچه را عقل به دست آورده، در موافقت با وحی پذیرفتنی است. صدرا کشف را به تنهایی نپذیرفت؛ زیرا از خطا مصون نیست، اما اگر در محضر وحی قرار گیرد و با آن مطابقت داشته باشد، مورد اعتماد و صحیح است. قرآن و معارف آن میزان و ملاک تصحیح همه خواطر و معارف است (آشتیانی، ۱۳۷۸: ۲۹۴ و ۱۷۶ و ۳۰۱) و حاملان قرآن یعنی معصومان، معیار حق و حقیقتند (ملاصدرا، ۱۳۷۸: ۱۹۲). وی اصرار دارد که عقل و نقل در اینکه غایت کائنات و نتیجه وجود ممکنات چیزی جز نیل به معرفت حق تعالی نیست، متفقند (ملاصدرا، ۱۳۸۱: ۸۱).

جدول ۳: مفروضات فلسفی واکاوی روش‌شناسی (باتأکید بر روش شناخت) از دیدگاه صدرائی

واکاوی روش‌شناسی از منظر صدرالمتهلین و تبیین دلالت‌های آن برای برنامه درسی	شاخص معادل (مفهوم‌سازی)	منبع کد واژه‌های مرتبط (واژه‌های کلیدی)	کد واژه‌های مرتبط (واژه‌های کلیدی)
	روش شناخت	روش شناخت	ابوترابی، ۱۳۸۳: ۴۸ - ۴۶؛ صدرالدین الشیرازی (۱۹۸۱)، اسفار، ج ۷: ۳۲۷؛ ج ۶: ۲۸۴؛ ج ۶: ۱۱؛ ج ۱: ۴۹؛ ج ۶: ۷ - ۶؛ ج ۷: ۳۶۲؛ ج ۹: ۲۳۴، ج ۱، مقدمه مؤلف: ۱۱؛ ج ۴: ۱۱۵؛ صدرالدین الشیرازی (۱۴۲۰هـ)، تصحیح و تعلیق؛ فاتن محمد خلیل اللبون فولادکار، بیروت، لبنان، مؤسسه تاریخ العربی، چاپ اول: ۱۰۳ - ۱۰۲؛ ابوترابی (۱۳۸۳)، روش‌شناسی حکمت متعالیه، معرفت فلسفی، سال اول، شماره چهارم، تابستان ۱۳۸۳: ۶۲ - ۲۷.
طبقه‌بندی کدواژه‌ها و مفهوم‌سازی			

براساس اطلاعات حاصله از یافته‌های پژوهش حاضر که در جدول ۳ ارائه شده است، برای شناخت دقیق روشی که صدرالمتهلین با استفاده از معرفت‌شناسی مقبول خویش بنیان نهاد، باید دو جنبه سلبی و ایجابی ارائه شده در کلام وی را از یکدیگر تفکیک کرد. در جنبه سلبی، او بیشتر در پی تبیین ضعف‌های راه‌های موجود در شناخت حقایق عالم و یا نارسایی‌های آنها در تبیین و تفسیر و تعبیر درست از آن است و در جنبه ایجابی تلاش می‌کند ویژگی‌های راه خود و امتیازات و برتری آن را بر راه‌های قبلی مبرهن سازد.

حکمت متعالیه علاوه بر نیروی عقل (برهان)، بر وحی (قرآن) و کشف (عرفان) نیز استوار است، اما وحی و کشف را به‌عنوان دو روش دیگر در عرض عقل و رقیب آن نمی‌داند که برای داوری درباره صدق و کذب گزاره‌های فلسفی معتبر باشند، بلکه آن دو را در طول عقل و برای هدایت عقلانی و ارشاد آن لازم می‌شمارد.

منابع شناخت در روش صدرالمتألهین

از نکات حائز اهمیت در معرفت‌شناختی حکمت متعالیه، شناخت ابزار معرفت در روش حکمت متعالیه است. ابزار شناخت حقیقی از نظر فلاسفه، متفاوت است؛ برخی حس را اصل دانسته، برخی عقل و برخی هر دو را، اما ابزار معرفت در ملاصدرا که به‌نوعی منبعث از دیدگاه ارسطوست، عقل است؛ عقلی که آن را بی‌نیاز از شهود نمی‌داند. بنابراین، روش ملاصدرا عقلی - شهودی است. گرچه در فلسفه اسلامی یکی از مبادی معرفت، حس است و به تعبیر ارسطو هر کس حسی را از دست بدهد، علمی را از دست داده است، اما حس بماهو حس در بینش صدرایی به دلیل جزئیات آن، در حوزه معرفت و شناخت فلسفی نمی‌گنجد و به تعبیر ملاصدرا از محسوسات به‌عنوان مواد خام گردآوری‌شده توسط جاسوس‌های مختلف (حواس) جهت رسیدن به امور کلی استفاده می‌شود. بنابراین، کلیات، مسبوق به جزئیات می‌باشند و نهایتاً عقل است که به کمک شهود حسی و شهود وحیانی، ابزار معرفت حقیقی است (علمی سولا، لعل صاحبی، ۱۳۸۹: ۸۴-۵۳).

جدول ۴: مفروضات فلسفی واکاوی روش‌شناسی (باتأکید بر منابع و ابزار شناخت) از دیدگاه صدرایی

واکاوی روش‌شناسی از منظر صدرالمتألهین و تبیین دلالت‌های آن برای برنامه درسی	شاخص معادل (مفهوم سازی)	منبع کدواژه‌های مرتبط (واژه‌های کلیدی)	کدواژه‌های مرتبط (واژه‌های کلیدی)	
	منابع و ابزار شناخت		عقل	عقل
			شهود حسی	شهود حسی
			شهود وحیانی	شهود وحیانی
طبقه‌بندی کدواژه‌ها و مفهوم‌سازی				

براساس اطلاعات حاصله از یافته‌های پژوهش حاضر که در جدول ۴ ارائه شده است، ملاصدرا منابع و ابزار شناخت را همراهی عقل با شهود حسی و شهود وحیانی قلمداد می‌کند.

بررسی سؤال دوم: مفروضات فلسفی واکاوی روش‌شناسی از دیدگاه ملاصدرا و تبیین دلالت‌های آن برای برنامه درسی کدامند؟

باتوجه به مباحثی که در راستای روش شناخت حقیقت مطرح شد (ماهیت و طبیعت شناخت، قلمرو شناخت، منابع و روش‌های کسب شناخت) جهت تبیین مهم‌ترین عناصر برنامه درسی

(هدف، اصول حاکم بر محتوای برنامه درسی و اصول حاکم بر روش‌های آموزش و یادگیری) می‌توان چنین بیان نمود که:

هدف

در هر الگوی برنامه درسی، اولین گام، بحث تعیین اهدافی است که برنامه در جهت تحقق آن شکل یافته است؛ از این رو، در طرح برنامه درسی صدراپی اهداف تربیتی را باید در ارتباط استوار با قلمروهای معرفتی آن یعنی قلمرو حصول و حضور معرفت به دست داد.

ملاصدرا از طریق معرفت حصولی و ارتباط حضوری با تأکید اساسی بر حاکمیت ادراک حضوری بر جهان محسوس و معقول، راه تکامل مادی و معنوی انسان را هموار می‌سازد. ترسیم انسان رشدیافته، مستلزم جستجو در سطح عمیق معرفت است که بنا به قبول دوبعدی بودن معرفت (حصولی و حضوری)، دو دستاورد علمی - معرفتی برای متری فراهم می‌کند.

در زمینه تعلیم و تربیت شناخت متعلم از خود، استعدادها، ویژگی‌ها و توانمندی‌های خود، بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه تا فردی نسبت به تمامیت وجودی خود که نسبت به آن علم حضوری (دانش فردی) دارد، توجه لازم نکند، نخواهد توانست نسبت به امور پیرامونی خود و مسائل علمی که لازمه فراگیری آنها علم حصولی است، به شناخت درست دست یابد (ملاصدرا، ۱۳۶۵: ۷۶ - ۷۴؛ ملاصدرا، ۱۳۶۷: ۴۹؛ ملاصدرا، ۱۳۷۱: ۲۰۲؛ بابازاده و نوروزی، ۱۳۹۲: ۴۳ - ۳۸).

به عبارتی، علم حضوری یعنی علمی که عین واقعیت معلوم پیش عالم (نفس یا ادراک‌کننده دیگری) حاضر است و عالم، شخصیت معلوم را می‌یابد، مانند علم نفس به ذات خود و حالات وجدانی و ذهنی خود. علم حصولی یعنی علمی که واقعیت معلوم، پیش عالم حاضر نیست، فقط مفهوم و تصویری از معلوم پیش عالم حاضر است، مثل علم نفس به موجودات خارجی از قبیل زمین، آسمان، درخت، انسان‌های دیگر و اعضای بدن خود شخص ادراک‌کننده. در علم حضوری مطابق تعریف بالا علم و معلوم یکی است؛ یعنی وجود علم عین وجود معلوم است و انکشاف معلوم پیش عالم به واسطه حضور خود در نزد عالم معلوم است و از این جهت این علم را "حضوری" می‌نامند. برخلاف علم حصولی که واقعیت معلوم غیر از واقعیت علم است و انکشاف معلوم پیش عالم به واسطه مفهوم یا تصویری است که از وی در پیش خود دارد و به عبارت دیگر، به واسطه حصول صورتی است از معلوم در نزد عالم و از این جهت این علم را "حصولی" می‌نامند. تمام اطلاعات ما نسبت به عالم خارج از ذهن علم حصولی است (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۸۳).

از دیگر نکات حائز اهمیت، تأکید صدرا بر نقش تهذیب نفس در شکل گیری شخصیت آدمی و دستیابی به شناخت صحیح است؛ چنانکه وی حقیقت را ادراک کلی و عقلی حقایق امور و مشاهده آنها می‌داند؛ زیرا آنها هستند که در بالاترین درجه وجود قرار دارند. لذا نفس انسانی موجود در عالم ماده، قادر به درک آنها نیست؛ چراکه وجودی ضعیف و ناقص دارد. پس باید با انتقال از عالم مادی به عالم خیال و پس از آن عالم عقلی به مرتبه آنها نایل گشت (صدرا، ۱۳۶۲: ۵۴ - ۵۵؛ اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۳ - ۱۱۰). البته این سطح از درک حقیقت برای تعداد اندکی از افراد به وجود می‌آید و لازمه آن تهذیب و تزکیه نفس است؛ لذا می‌توان گفت که ملاک و معیار معرفت صحیح در نظر صدرا، تطابق امور با امر خدای متعال است که یا از طریق برهان (معرفت حصولی) حاصل شود و یا از طریق کشف و شهود (معرفت حضوری). البته به شرطی که این دو ملازم یکدیگر باشند و در تأیید هم و نه در تضاد و مخالفت با یکدیگر (صدرا، ۱۳۸۰: ۳۷۳).

جدول ۵: سازماندهی تحلیل سؤال دوم: تبیین دیدگاه‌های ملاصدرا و دلالت‌های آن برای برنامه درسی (در راستای تبیین اهداف)

واکاوی روش‌شناسی از منظر صدر المتألهین و تبیین دلالت‌های آن برای برنامه درسی	شاخص معادل (مفهوم سازی)	منبع کدواژه‌های مرتبط (واژه‌های کلیدی)	کدواژه‌های مرتبط (واژه‌های کلیدی)	مدرسه
	برنامه درسی	ملاصدرا، ۱۳۶۵، عرفان و عارف نمایان، ۷۶ - ۷۴؛ ملاصدرا، ۱۳۶۷، اسرار آیات، ۴۹؛ ملاصدرا، ۱۳۷۱، مفاتیح الغیب، ۲۰۲؛ بابازاده؛ نوروزی، ۱۳۹۲، تحلیلی بر اهداف و روش‌های تربیتی مبتنی بر کمال نفس از دیدگاه ملاصدرا، ۴۳ - ۳۸؛ اسماعیل‌زاده، مهدی (۱۳۹۰). بررسی و تبیین نظرات تربیتی صدر المتألهین شیرازی. پایان‌نامه، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه پیام‌نور تهران، ۱۳۹۰، کارشناسی ارشد: ۱۲۳ - ۱۱۰.	تحقق معرفت حضور کسب معرفت حصولی	
طبقه‌بندی کدواژه‌ها و مفهوم‌سازی				

براساس اطلاعات حاصله از یافته‌های پژوهش حاضر که در جدول ۵ ارائه شده است، هدف، عبارت است از کسب معرفت حصولی به منظور تحقق معرفت حضوری.

اصول حاکم بر محتوای برنامه درسی

باتوجه به اینکه صدرا ادراک آدمی را دارای بخش‌های متفاوت با کارکرد گوناگون می‌داند، این امر می‌طلبد که در طراحی برنامه درسی نیز به گونه‌ای عمل شود که متناسب با رشد ادراک آدمی باشد. باتوجه به ساخت شناختی، ادراک آدمی به شیوه سلسله‌مراتبی، فراگیری امور باید از محسوس به سمت امور انتزاعی و عقلی باشد. از منظر وی، برنامه درسی باید در سنین ابتدایی یادگیری بیشتر بر مباحث محسوس و قابل لمس برای متعلم مبتنی باشد و پس از آن چون قوه خیال در آدمی رشد و قوت بیشتری می‌یابد، پرداختن به امور هنری که مستقیماً با تخیل آدمی در ارتباط است، حائز اهمیت می‌شود. آنگاه در سنین بالاتر رشد و شکوفایی متعلم، باید بیشترین تمرکز بر ارائه مبانی و اصول عقلانی در محتوای برنامه درسی باشد. البته نکات قابل اهمیت در برنامه درسی مبتنی بر نظریات صدرا، این است که معلم خود و دانش‌آموز را از یک حقیقت می‌داند و دانش‌آموز آزادی اختیار در انتخاب دارد، امکان تغییر مطالب متناسب با شرایط زمانی، مکانی و ویژگی‌های فردی وجود دارد و بر منبع‌شدن علم حقیقی از علم حضوری و بر علوم انسانی تأکید می‌کند. همچنین وی رشد و شکوفایی آدمی را در گرو اخلاق و تهذیب نفس می‌داند، ضمن اینکه دروس، باید ضمن حفظ یکپارچگی، دارای سلسله‌مراتب باشد و تقدم و تأخر آن در عین تازگی مطالب، رعایت شود (صدرا، ۱۳۰۲ق: ۲۸۶ - ۲۷۹ به نقل از نصر، ۱۳۸۳: ۴۱۰؛ صدرا، ۱۴۱۰ق، ج ۹ - ۱: ۴۹؛ مصلح، ۱۳۵۳: ۲ - ۱؛ صدرالمتهلین ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۱۶؛ ج ۳: ۳۶۰؛ ج ۸: ۲۰۴؛ مظاهری، نوروزی و بختیار نصرآبادی، ۱۳۸۶: ۸۵ - ۸۳).

جدول ۶: سازماندهی تحلیل سؤال دوم: تبیین دیدگاه‌های ملاصدرا و دلالت‌های آن برای برنامه درسی (در راستای تبیین اصول حاکم بر محتوای برنامه درسی)

شاخص معادل (مفهوم سازی)	منبع کدواژه‌های مرتبط (واژه‌های کلیدی)	کدواژه‌های مرتبط (واژه‌های کلیدی)			
		دانش آموز	آزادی و اختیار در انتخاب		
برنامه درسی	صدرالمتألهین، الحکمه‌المتعالیه فی الاسفارالعقلیه الاربعه، ج ۹ - ۱؛ ۴۹؛ صدرالمتألهین، شواهدالربوبیه، ۱۰۳؛ مظاهری، مهدی؛ نوروزی، رضاعلی؛ بختیار نصرآبادی، حسنعلی؛ مصباح؛ بهمن (۱۳۸۶)، درآمدی بر معرفت‌شناسی صدرالمتألهین و دلالت‌های تربیتی آن: ۸۸ - ۶۱؛ نصر، سیدحسین (۱۳۸۳)، سنت عقلانی - اسلامی در ایران، ترجمه و تحشیه سعید دهقانی، تهران، قصیده‌سرا؛ صدرالمتألهین، الحکمه‌المتعالیه فی الاسفارالعقلیه الاربعه، ج ۳: ۱۷۵؛ مصلح، جواد (۱۳۵۳)، حکمت متعالیه یا فلسفه صدرالمتألهین: ۲ - ۱، تهران: دانشگاه تهران؛ نصر، سیدحسین (۱۳۸۳)، سنت عقلانی - اسلامی در ایران، ترجمه و تحشیه سعید دهقانی، تهران، قصیده‌سرا؛ صدرالمتألهین، الحکمه‌المتعالیه فی الاسفارالعقلیه الاربعه، ج ۳: ۱۳۰۲ - ۲۸۶ - ۲۷۹؛ به نقل از نصر، ۱۳۸۳: ۴۱۰؛ عبودیت، عبدالرسول (۱۳۸۵)، درآمدی بر نظام حکمت صدرایی، ج ۱: ۹۰؛ صدرالمتألهین شیرازی محمد (۱۳۶۸)، الحکمه‌المتعالیه فی الاسفارالعقلیه الاربعه، ج ۲: ۱۱۶؛ ج ۳: ۳۶۰؛ صدرالمتألهین شیرازی محمد (۱۳۶۸)، الحکمه‌المتعالیه فی الاسفارالعقلیه الاربعه، ج ۱: ۲۰۴.	دانش آموز	آزادی و اختیار در انتخاب		
		معلم	خود و دانش‌آموز را از یک حقیقت دانستن		
		یکپارچگی دروس در یک کل منسجم	تأکید بر سلسله‌مراتبی بودن دانش		
		رعایت تقدم و تأخر در آموزش دروس	امکان تغییر مطالب متناسب با شرایط زمانی، مکانی و ویژگی‌های فردی		
		تازه و جذاب بودن مطالب درعین ساختارمندی	منبع‌شدن علم حقیقی از علم حضوری		
		تأکید بر علوم انسانی			
		طبقه‌بندی کدواژه‌ها و مفهوم‌سازی			

واکاوای روش‌شناسی از منظر صدرالمتألهین و تبیین دلالت‌های آن برای برنامه درسی

تأکید بر سلسله‌مراتبی بودن دانش

بر اساس اطلاعات حاصله از یافته‌های پژوهش حاضر که در جدول ۶ ارائه شده است، می‌توان چنین بیان نمود که طراحی برنامه درسی، بر اساس ساخت شناختی آدمی است. معلم خود و دانش‌آموز را از یک حقیقت می‌داند و دانش‌آموز آزادی اختیار در انتخاب دارد، درعین اینکه یکپارچگی دروس در یک کل منسجم باید رعایت شود و بر سلسله‌مراتبی بودن دانش نیز تأکید می‌شود و همچنین رعایت تقدم و تأخر در آموزش دروس، بر امکان تغییر مطالب متناسب با شرایط

زمانی، مکانی و ویژگی‌های فردی و تازه و جذاب بودن مطالب درعین ساختارمندی، بر منبع‌شدن علم حقیقی از علم حضوری و بر علوم انسانی نیز تأکید می‌کند.

اصول حاکم بر روش‌های آموزش و یادگیری

الف) روش برهانی - شهودی: ملاصدرا برای کسب معرفت به دو روش اساسی قائل است: یکی روش رویارویی با جهان و به‌واسطه رشد و تربیت مراتب مختلف عقلی و اکتساب حقایق به‌واسطه کسب علوم و معارف مختلف و دیگر روش شهودی که این امر نیز خود دارای مراتب مختلف حدس، الهام و وحی است. البته بیشتر مردم از قوه حدس برخوردارند؛ حال اینکه، برای اولیا، اصفیا و انبیا اتفاق می‌افتد و وحی تنها برای انبیا رخ می‌دهد؛ گرچه الهام ممکن است به گونه‌ای ناخودآگاه و هنگامی که فرد از آن آگاه نیست، رخ دهد (صدر، ۱۳۸۵: ۴۷۹ - ۱۸۱).

در ابتدای امر، روش‌های تربیتی مبتنی بر عالم ماده و محسوسات و پرورش حواس متریبی به‌منظور زمینه‌سازی برای مراحل بعدی و رشد همه‌جانبه وجود انسانی، سپس روش‌های معطوف به بارورسازی خردورزی و تعقل همچون رشد تفکر و پرورش اندیشیدن، حل مسئله و کسب دانش از ضروریات روش‌های تربیتی صدرایی است. ناگفته نماند که رشد و پرورش حواس و تجربه و عقلانیت، هرگز برای وصول به کمال کافی نیست و انسان کامل، افزون بر این موارد در سایه ترکیه و تهذیب نفس و روش‌های خاص شهود و فیض خداوندی به این مقام نائل می‌آید (بابازاده و نوروزی، ۱۳۹۲: ۵۱ - ۴۴).

ب) رویکرد میان‌رشته‌ای: تبیین رویکرد میان‌رشته‌ای در چهار محور اصلی زیر، مورد بررسی قرار می‌گیرد: اساس و منشأ هستی‌شناسی - معرفت‌شناسی (میان‌رشته‌ای)؛ ضرورت شناخت میان‌رشته‌ای؛ فرایند شناخت میان‌رشته‌ای و ارزش شناخت میان‌رشته‌ای.

۱. اساس و منشأ هستی‌شناسی - معرفت‌شناسی (میان‌رشته‌ای): هر ماهیتی از عالم طبیعت با چهار نحو وجود موجود است: وجود طبیعی محسوس که همان وجود خاص اوست؛ وجود مثالی؛ وجود مجرد عقلی و وجود الهی که وجود برتر است. بنابراین، ادراک بر حسب آنکه بر چه مرتبه‌ای از وجود منطبق باشد، به همان اندازه از حقیقت بهره‌مند است و تفاوت هریک از شناخت‌های رشته‌ای و میان‌رشته‌ای در انطباق آنها بر مراتب وجود است (صدرالمتألهین، ۱۳۶۳: ۹؛ مطهری، ۱۳۷۴: ۲۳۶؛ حائری، ۱۳۸۴: ۱۹؛ صدرالمتألهین، ۱۳۶۸: ۳۲۷).

۲. ضرورت رویکرد میان‌رشته‌ای: برحسب معرفت‌شناسی حکمت متعالیه، تعالی نفس انسان

درگرو شناخت است و شناخت ناظر به پیچیدگی هستی است. لذا استلزام معرفت به درک پیچیدگی، ذاتی شناخت محسوب می‌شود و تحمیلی بیرونی و ناشی از ضرورت حل مسئله نیست (صدرالمتألهین، ۱۳۶۸، ج ۳: ۳۶۰؛ صدرالمتألهین، ۱۳۶۰: ۱۳۶۰؛ ۲۲۵؛ دهباشی، ۱۳۸۶: ۲۰۲؛ صدر المتألهین، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۱۶).

۳. فرایند شناخت میان‌رشته‌ای: برای ادراک، سه مرتبه حسی، خیالی و عقلی، منطبق بر عوالم وجود، بر یکدیگر مترتب هستند و ادراک مستلزم طی آن مراتب است و هر مرتبه با مرتبه بالاتر از خود قوام می‌یابد. «فاعل ان لاشیء من الادراک الحسی الا و قوامه بالادراک الخیالی و لاشیء من التخیل الا و قوامه بالتعقل» (صدرالمتألهین، ۱۳۶۸، ج ۸: ۲۰۴)، اما خاصیت عالم حس کثرت و درک جزئیات است؛ یعنی شناخت از مرتبه شناخت شخصی (جزئی) آغاز می‌شود و سپس به مرحله عقل که مقام تجرد، بساطت و وحدت است، نائل می‌شود. بنابراین، از یک سو نیل به مرحله عقلی، مستلزم مرحله حسی است و از سوی دیگر، مرحله حس و خیال نیز جز با مرحله بالاتر یعنی عقل قوام نمی‌یابد. بنابراین، مراحل حسی و عقلی لازم و ملزوم یکدیگرند (ایمانی، باقری، صادق‌زاده و محمدی روزبهانی، ۱۳۹۰: ۶۵-۶۳).

براین اساس، هر یک از ادراکات تجربی (حسی)، خیالی و عقلی ویژگی‌های خود را دارند و در مرتبه خود دارای ارزش و اعتبارند و به لحاظ توجه به مراتب مختلف ادراکی و کثرت روشی حاصل از آن، زمینه مساعدی برای بهره‌مندی از حداکثر ظرفیت‌های انسانی فراهم می‌شود.

جدول ۷: سازماندهی تحلیل سؤال دوم: تبیین دیدگاه‌های ملاصدرا و دلالت‌های آن برای برنامه درسی (در راستای اصول حاکم بر روش‌های آموزش و یادگیری)

واکاوی روش‌شناسی از منظر صدرالمتألهین و تبیین دلالت‌های آن برای برنامه درسی	شاخص معادل (مفهوم سازی)	منبع کدواژه‌های مرتبط (واژه‌های کلیدی)	کدواژه‌های مرتبط (واژه‌های کلیدی)
	برنامه درسی	باب‌زاده؛ نوروزی، ۱۳۹۲، تحلیلی بر اهداف و روش‌های تربیتی مبتنی بر کمال نفس از دیدگاه ملاصدرا: ۵۱ - ۴۴. صدرالمتألهین، ۱۳۶۳، المشاعر: ۹؛ مطهری، ۱۳۷۴، مقالات فلسفی: ۲۳۶؛ حائری، ۱۳۸۴، علم کلی: ۱۹؛ صدرالمتألهین، ۱۳۶۸، الحکمه‌المتعالیه فی‌الاسفارالعقلیه الاربعه: (۳۲۷)؛ صدرالمتألهین، ۱۳۶۸، الحکمه‌المتعالیه فی‌الاسفارالعقلیه الاربعه، ج ۳: ۳۶۰؛ صدرالمتألهین، ۱۳۶۰، اسرارالآیات: ۲۲۵؛ دهباشی، ۱۳۸۶، پژوهش تطبیقی در هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی ملاصدرا و ابتهد: ۲۰۲؛ صدرالمتألهین، ۱۳۶۸، الحکمه‌المتعالیه فی‌الاسفارالعقلیه الاربعه، ج ۲: (۱۱۶)؛ صدرالمتألهین، ۱۳۶۸، الحکمه‌المتعالیه فی‌الاسفارالعقلیه الاربعه، ج ۸: ۲۰۴.	روش برهانی - شهودی فلسفه صدرا و رویکرد میان‌رشته‌ای
طبقه‌بندی کدواژه‌ها و مفهوم‌سازی			

بر اساس اطلاعات حاصله از یافته‌های پژوهش حاضر که در جدول ۷ ارائه شده است، می‌توان چنین بیان نمود که روش‌های آموزش و یادگیری معطوف به رشد و پرورش حواس، تجربه و عقلانیت در سایه تزکیه و تهذیب نفس است. مبحث مهم دیگر برنامه درسی که مبتنی بر نظریات صدراست، رویکرد میان‌رشته‌ای است که فرد در فرایند تعلیم و تربیت بتواند از انباشته‌ها، تجارب و ظرفیت‌های معرفتی، مهارتی رشته‌های مرتبط در جای مناسب و مقتضی، استفاده بهینه و مؤثر کند و یادگیری فراگیر، مادام‌العمر و مداوم باشد.

نتیجه‌گیری

مسئله یادگیری و چگونگی آن به چگونگی حصول علم، ابزار و منابع علم برمی‌گردد و نهایتاً اینکه ماهیت شناخت چیست و ظرفیت‌های شناختی انسان چیست؟

ملاصدرا در حوزه طبیعت و ماهیت شناخت، علم را به حضوری (علم نفس به خود و به صفات و افعال خود) و حصولی (علم به شیء غیر از خود شیء) تقسیم می‌کند. صدرالمتألهین در حوزه قلمرو شناخت با توجه به انواع عوالم، از سه و به تعبیری، چهار نوع ادراک سخن می‌گوید. روش شناخت را نیز از دو جنبه سلبی (که بیشتر در پی تبیین ضعف‌های راه‌های موجود در شناخت حقایق عالم و یا نارسایی‌های آنها در تبیین و تفسیر و تعبیر درست از آن است) و جنبه ایجابی (که ویژگی‌های راه خود و امتیازات و برتری آن را بر راه‌های قبلی مبرهن می‌سازد)، مورد مطالعه قرار داده است. منابع و ابزار شناخت را همراهی عقل با شهود حسی و شهود وحیانی قلمداد می‌کند. بنابراین، در حکمت متعالیه چهار جریان بزرگ حکمت مشاء، حکمت اشراق، عرفان و معارف کتاب و سنت، به هم آمیخته می‌شود. نظام صدرایی بر سه رکن قرآن، عرفان و برهان استوار است. این یافته‌ها در پژوهش (سروش، ۱۳۷۲: ۱۱۲ - ۱۱۱؛ ابوترابی، ۱۳۸۳: ۶۲ - ۲۷؛ مظاهری، نوروزی؛ بختیار نصرآبادی، ۱۳۸۶: ۸۸ - ۶۱؛ ناجی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۳۶ - ۱۲۵؛ علمی سولا؛ لعل صاحبی، ۱۳۸۹: ۸۴ - ۵۳، مرتضایی، ۱۳۹۲: ۱۱۴ - ۱۱۳) تأیید شده است.

از آنجاکه در این پژوهش واکاوی روش‌شناسی از منظر صدرالمتألهین جهت تبیین دلالت‌های آن برای برنامه درسی مدنظر بوده است، در راستای مهم‌ترین عناصر برنامه درسی یعنی هدف، محتوا و روش، نتایج زیر به دست آمده است:

در زمینه هدف: هدف برنامه درسی صدرایی مبتنی بر کسب معرفت حصولی به منظور تحقق معرفت حضوری است. این یافته‌ها در پژوهش (بابازاده و نوروزی، ۱۳۹۲: ۵۶ - ۳۱) تأیید شده است.

در زمینه اصول حاکم بر محتوای برنامه درسی: به برنامه درس نیمه‌متمرکز متناسب با موقعیت زمانی، مکانی و ویژگی‌های فردی با رعایت سلسله‌مراتب دانش از امور محسوس به سمت امور عقلی - شهودی منتج می‌شود؛ ضمن اینکه بر خودشناسی معلم و دانش آموز و تهذیب نفس به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در تمام مراحل آموزش و یادگیری تأکید می‌کند و طراحی برنامه درسی متناسب با رشد ادراک فراگیر بوده و معلم با مشارکت دانش آموز، قلمروهای اصلی یادگیری را مشخص می‌کند و از طریق تعامل با دانش آموز، تجربیات مشترک شکل می‌گیرد، توافق گسترش می‌یابد و یادگیری به دست می‌آید. این یافته‌ها در پژوهش (مظاهری، نوروزی و بختیار نصرآبادی، ۱۳۸۶: ۸۸ - ۶۱) تأیید شده است.

در زمینه اصول حاکم بر روش‌های آموزش و یادگیری: روش برهانی - شهودی در ابتدای امر شامل روش‌های تربیتی مبتنی بر عالم ماده و محسوسات و پرورش حواس متربی به منظور زمینه‌سازی برای مراحل بعدی و رشد همه‌جانبه وجود انسانی، سپس روش‌های آموزش و یادگیری معطوف به بارورسازی خردورزی و تعقل همچون رشد تفکر و پرورش اندیشیدن، حل مسئله و کسب دانش در سایه تزکیه و تهذیب نفس و روش‌های خاص شهود و نائل آمدن به فیض خداوندی است. براساس رویکرد میان‌رشته‌ای فلسفه صدرای هریک از ادراکات تجربی (حسی)، خیالی و عقلی ویژگی‌های خود را دارند و در مرتبه خود دارای ارزش و اعتبارند و به لحاظ توجه به مراتب مختلف ادراکی و کثرت روشی حاصل از آن، زمینه مساعدی برای بهره‌مندی از حداکثر ظرفیت‌های انسانی فراهم می‌شود. همچنین روی آورد متعالیه میان‌رشته‌ای وی برنامه‌ریزان را در جهت تدوین طرح برنامه درسی جامع متناسب با تمامی استعدادها و دانش‌آموزان یاری می‌رساند؛ به گونه‌ای رویکرد میان‌رشته‌ای زمینه‌های لازم برای شکوفایی استعدادها و قابلیت‌های فردی فراگیران را فراهم آورده، به آنان چگونگی فکرکردن، تصمیم‌گرفتن سازماندهی افکار، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی را آموخته و ارتباط برقرار کردن میان دانسته‌ها و آموخته‌های خود با زندگی واقعی و بیرون از کلاس را امکان‌پذیر می‌سازد. با این فعالیت‌ها، یادگیری فراگیر، مادام‌العمر و مداوم شده و علاقه‌ای همیشگی در یافتن پرسش‌های ایجادشده در ذهن وی به وجود می‌آید. این یافته‌ها در پژوهش (آراسته، ۱۳۸۸: ۲۸، سجادی، و نورآبادی، ۱۳۸۹: ۴۱ - ۱۹، عراقیه، ۱۳۹۲: ۸۶)، تأیید شده است.

منابع

- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۸)، میان‌رشته‌ای‌ها در آموزش عالی، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، سال اول، شماره ۲.
- ابوترابی، احمد (۱۳۸۳)، روش‌شناسی حکمت متعالیه، معرفت فلسفی، سال اول، شماره چهارم: ۶۲ - ۲۷.
- اسماعیل‌زاده، مهدی (۱۳۹۰)، بررسی و تبیین نظرات تربیتی صدرالمتألهین شیرازی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه پیام‌نور تهران.
- ایمانی، محسن؛ باقری، خسرو؛ صادق‌زاده، علی‌رضا و محمدی روزبهانی، کیانوش (۱۳۹۰)، تبیین رویکرد میان‌رشته‌ای از دیدگاه معرفت‌شناسی حکمت متعالیه، فلسفه و کلام؛ پژوهش‌های فلسفی، شماره ۹: ۶۸ - ۴۳.

بابازاده، طاهره و نوروزی، رضاعلی (۱۳۹۲)، تحلیل بر اهداف و روش‌های تربیتی مبتنی بر کمال نفس از دیدگاه ملاصدرا، فصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، س ۸، ش ۱۶: ۵۶ - ۳۱.
باردن، لورنس (۱۳۷۵)، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

پناهی آزاد، حسین (۱۳۸۵)، فلسفه حکمت متعالیه، فلسفه و کلام، قسبات، شماره ۳۹ و ۴۰.
حائری یزدی، مهدی (۱۳۸۴)، علم کلی، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
دهباشی، مهدی (۱۳۸۶)، پژوهش تطبیقی در هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی ملاصدرا و وایتهد، تهران: علم.
سجادی، سیدمهدی و نورآبادی، سولماز (۱۳۸۹)، تبیین و تحلیل ماهیت و کارکرد میان‌رشته‌ای، فلسفه تعلیم و تربیت، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره دوم، شماره ۲: ۴۱ - ۱۹.
سروش، عبدالکریم (۱۳۷۲)، حکمت در فرهنگ اسلامی، دانشگاه انقلاب، ش ۹۸ و ۹۹.
شیروانی، علی (۱۳۸۷)، تأملی در ویژگی‌های روش‌شناختی مکتب فلسفی صدرالمآلهین، روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۵۶: ۳۰ - ۹.

صدرالدین شیرازی، محمدبن‌ابراهیم (۱۳۶۷)، اسرارآیات، ترجمه علویه همایونی، تهران: انتشارات همایونی.
صدرالدین شیرازی، محمدبن‌ابراهیم (۱۳۶۵)، عرفان و عارف‌نمایان، ترجمه محسن بیدارفر، تهران: انتشارات الزهرا.

صدرالدین شیرازی، محمدبن‌ابراهیم (۱۳۷۱)، مفاتیح‌الغیب، ترجمه محمد خواجوی، تهران: انتشارات مولی.
صدرالدین شیرازی، محمدبن‌ابراهیم (۱۳۶۰)، اسرارآیات، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
صدرالدین شیرازی، محمدبن‌ابراهیم (۱۳۶۳)، المشاعر، تهران: کتابخانه طهوری.
صدرالدین شیرازی، محمدبن‌ابراهیم (۱۳۶۸)، الحکمه‌المتعالیه فی الاسفارالعقلیه الاربعه، قم: مصطفوی.
صدرالدین شیرازی، محمدبن‌ابراهیم (۱۳۸۵)، شواهدالربوبیه، ترجمه و تفسیر جواد مصلح، تهران: سروش.
صدرالدین شیرازی، محمدبن‌ابراهیم (۱۴۱۰ هـ ق/ ۱۳۶۸ هـ ش)، الحکمه‌المتعالیه فی الاسفارالعقلیه الاربعه، ج ۹ - ۱، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

طباطبائی، محمدحسین و مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران: صدرا.
عراقیه، علیرضا (۱۳۹۲)، گونه‌شناسی رهیافت‌های میان‌رشته‌ای و دلالت‌های آن در طراحی برنامه‌های درسی چندفرهنگی در آموزش عالی، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، شماره ۱۳.
علمی سولا، محمدکاظم و لعل‌صاحبی، طوبی (۱۳۸۹)، تطابق ذهن و عین در معرفت‌شناسی صدراپی و کانتی، ادیان، مذاهب و عرفان، آینه معرفت، شماره ۲۵: ۸۴ - ۵۳.

فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۵)، روش‌شناسی مطالعات دینی (تحریری نو)، ج ۱، مشهد: دانشگاه علوم رضوی.
کاکائی، قاسم و رهبر، حسین (۱۳۹۱)، محدوده و قلمرد معرفت در نظام معرفت‌شناسی حکمت متعالیه و

- فیلسوفان دکارتی، فلسفه و کلام؛ معرفت فلسفی، سال نهم، شماره ۳۵: ۱۰۰-۷۷.
- مرتضایی، اسداله (۱۳۹۲)، بررسی مفهوم علم در معرفت‌شناسی ملاصدرا، پژوهش‌های علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال پنجم، شماره ۲۷: ۱۱۴-۱۱۳.
- مصلح، جواد (۱۳۵۴)، مبدأ آفرینش از دیدگاه فلاسفه اسلام، تهران: دانشگاه تهران.
- مصلح، جواد (۱۳۵۳)، حکمت متعالیه یا فلسفه صدرالمآلهین، ج ۲- ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، مقالات فلسفی، چاپ دوم، تهران: انتشارات صدرا.
- مظاهری، مهدی؛ نوروزی، رضاعلی و بختیار نصرآبادی، حسنعلی (۱۳۸۶)، درآمدی بر معرفت‌شناسی صدرالمآلهین و دلالت‌های تربیتی آن، میان‌رشته‌ای، مجله علوم انسانی (مصباح)، شماره ۷۳: ۸۸-۶۱.
- ناجی اصفهانی، حامد (۱۳۸۸)، گذری بر معرفت‌شناسی حکمت متعالیه، فلسفه و کلام، اندیشه دینی، شماره ۳۰: ۱۳۶-۱۲۵.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۳)، سنت عقلانی - اسلامی در ایران، ترجمه و تحشیه سعید دهقانی، تهران: قصیده‌سرا.
- نصرتی هشی، کمال؛ نوروزی، رضاعلی؛ متقی، زهره؛ عباسپور، نفیسه و امینی، مهرنوش (۱۳۹۴)، مبنای ادراک و اقسام آن از منظر ابن‌سینا و پیامدهای تربیتی، مجله پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال هفتم، شماره ۳، پیاپی ۱۱.

